

# علیه سرمایه‌داری، فاشیسم و مردسالاری

## به نام «زن، ژین، نژادی»

در آستانه‌ی روز جهانی کارگر و در حالی که آتش بحران‌های معیشتی، زیست‌محیطی، و اجتماعی بیش از گذشته زبانه می‌کشد و زندگی‌های ما را به کام نابودی می‌برد، بازپس‌گیری حق حیات‌مان، مستلزم بازشناسی قدرت ما در مقام طبقه‌ی کارگر و پیکار همه‌جانبه علیه سرمایه‌داری است. سلاح ما در این نبرد اعتصاب، سازماندهی و بازپس‌گیری زمان کار و تن‌ها و زندگی‌های مان از چنگال سرمایه‌داران است. و در مقابل ما، سلاح سرمایه‌داری چیزی نیست جز فاشیسم، مردسالاری و نظامی‌گری روزافزون؛ چنان‌که این روزها در ایران و سودان و فرانسه دیده‌ایم، تا از خاطر نبریم که از «شمال تا جنوب جهانی»، همه‌ی ما ساکنین سرزمین واحدی هستیم به نام «سرمایه‌داری».

ارزش در جامعه سرمایه‌داری از طریق سرقت ساعات زندگی کارگران و استثمار نیروی کار آنها تولید می‌شود و به همین دلیل دست‌کشیدن منظم و سازمان‌یافته از کار (یا همان اعتصابات طبقه‌ی کارگر) همواره می‌تواند کنشی انقلابی، ریشه‌ای و ویران‌گر نظم موجود و ستم حاکم باشد. در چنین مبارزه‌ای، سرمایه‌داری از ابزارهای خشن و وحشیانه‌ی خود برای سرکوب ما استفاده خواهد کرد؛ و ما از عزم و توان و آگاهی جمعی خود برای گسترش اعتصابات و همبستگی انقلابی در سطوح مختلف: نه فقط در خیابان‌ها و مناسب‌ها، بلکه در تمام محیط‌های کار و تحصیل، کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس و اماکن عمومی؛ نه فقط در محدوده‌ی مرزهای ملی، بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی.

سرمایه‌داری می‌کوشد با توسل به مردسالاری، زنان را در زنجیر کار بی‌دستمزد خانگی یا فرایندهای ارزان‌سازی و بی‌ثبات‌سازی نیروی کارشان به بند بکشد؛ همچنان که مهاجران را با ابزار نژادپرستی و مکانیسم‌های فاشیستی به کف هرم نیروی کار تبعید می‌کند و از مشارکت در زیست اجتماعی محروم‌شان می‌سازد؛ و یا از طریق برتری‌جویی ملی و ستم ملی، سلب مالکیت و محرومیت را بر انبوهی از انسان‌ها تحمیل می‌کند. همه‌ی این ابزارها و مکانیسم‌ها، استثمار و ستم مضاعف را به‌ضرر آزادی زن و زندگی بازتولید می‌کنند. و ما حادثه‌ترین نمونه‌های آن را در زندان تاریخی عظیمی که جمهوری اسلامی برپا کرده با گوشت و پوست‌مان تجربه کرده‌ایم؛ و اینکه چگونه ساختار ویژه‌ی جمهوری اسلامی تضادها و پیامدهای ستم‌بار عام سرمایه‌داری را به کران‌های ضدانسانی و زندگی‌ستیز آن رسانده است.

به همین دلیل است که ما روز جهانی کارگر را در پیوند با شعار محوری قیام ژینا در ایران - یعنی «زن، زندگی، آزادی» - می‌فهمیم. چرا که آنچه باید دود شود و به هوا رود چیزی نیست جز سرمایه‌داری، به‌همراه مردسالاری و فاشیسم هم‌بسته‌ی آن. و آنچه رها می‌شود و

امکان نو می‌آفریند، زن و زندگی و آزادی‌ست. و از همین روست که بر این باوریم که در جغرافیای ایران مبارزه با سرمایه‌داری به هیچ رو جدا از مبارزه با نظام جمهوری اسلامی نیست.

در این روزها همچنین شاهد شجاعت و ابتکار کارگران در ایران (به‌خصوص کارگران پروژه‌ای در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی) بوده‌ایم که تحت شدیدترین فشارها، متحد و مصمم و پرشمار، بار دیگر اعتصابات گسترده و هماهنگ برپا کرده‌اند. بسیاری از آنان بی‌ثبات‌کارانی هستند که به‌دور از خانواده و در شرایط اقلیمی سخت چرخ صنایع را به گردش در می‌آورند، و به‌اجبار در خوابگاه‌های نامناسب و پرجمعیت، و با غذای ناکافی و غیرمفید نیروی کار خود را بازتولید می‌کنند؛ بی‌آنکه به امکانات بهداشتی، ایمنی، رفاهی و حمل‌ونقل مناسب دسترسی داشته باشند. آنها در این اعتصابات از جمله مطالبات زیر را رو به کارفرمایان و پیمانکاران و دولت طرح کرده‌اند: افزایش ۷۹ درصدی دستمزد، کاهش ساعات کاری، افزایش ایمنی در محیط کار، حق ده روز استراحت در برابر بیست روز کار (کمپین ۱۰/۲۰)، بهبود شرایط زیست روزانه (شامل غذا، خوابگاه، بهداشت، ایمنی) و غیره. مبارزات آنها بی‌گمان بخشی از پیوستار جهانی مبارزات روزمره‌ی کارگران برای بهبود شرایط طاقت‌فرسای کار و حیات‌شان است. اما با نظر به ناتوانی ساختاری سرمایه‌داری بحران‌زده در تامین حقوق و نیازهای اولیه‌ی کارگران، این مبارزات می‌توانند بخشی از فرآیند کلان‌تر خلع‌ید از سرمایه‌داری و پاسداران بومی آن در جهت رهایی انسان طبیعت باشند.

برای تقویت چنین چشم‌اندازی و برای بازپس‌گیری حق زندگی، ما نیز با تمام قوا از مبارزات این کارگران و سایر هم‌زنجیرانمان پشتیبانی خواهیم کرد و در همبستگی با مبارزات کارگری - از ایران تا فرانسه و از سودان تا هرکجای این جهان بحران‌زده - با یک برنامه‌ی مشترک به مناسبت اول ماه مه به خیابان‌ها خواهیم آمد. با ما همراه شوید!

استوار باد قدم‌های رزمنده‌ی جنبش کارگری

گسترده باد همبستگی بین‌المللی کارگران و مبارزات انقلابی تا رهایی از ستم و سلطه‌ی سرمایه‌داری

مجموعه‌ای از کلکتیوهای شهری دیاسپورای ایرانی برای همبستگی با انقلاب ایران: برلین، پاریس، منچستر، میلان، یوتیوری، بروکسل، بیلفلد، دورتموند، گوتینگن، فرانکفورت، برمن، آمستردام، ونیز، سیاتل